

بررسی احساس امنیت ساکنان در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه، محله عامری شهر اهواز)

فاطمه پیری^۱، سعید ملکی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزام‌های اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود و به همین دلیل در فرایند برنامه‌ریزی شهری، کاهش جرم و جنایت در محیط‌های شهری به ویژه در بافت‌های فرسوده از مهم‌ترین اهداف است. این مقاله باهدف بررسی احساس امنیت ساکنان محله عامری شهر اهواز به‌عنوان یک بافت فرسوده شهری انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، همه ساکنان محله عامری شهر اهواز هستند. با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ حجم نمونه ۳۵۰ نفر برآورد و به صورت تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با کمک پرسش‌نامه پایا (با آلفای کرونباخ ۰/۸۵) و روا (نظر خبرگان) جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و آزمون آماری رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها و نتایج: نتایج نشان داد که بین احساس امنیت و سه متغیر «وضعیت فیزیکی و کالبدی محله»، «مشارکت و هماهنگی در برقراری امنیت» و «میزان حضور نیروی انتظامی» رابطه معناداری وجود دارد. رتبه‌بندی متغیرها از نظر میزان تأثیرگذاری بر احساس امنیت نیز نشان داد که «اختلاط مناسب کاربری‌ها»، «حریم‌های سواره و پیاده»، «حذف فضاهای آسیب‌پذیر»، «حضور پلیس»، «خوانا و قابل فهم نمودن فضا» و «مشارکت در حفظ و نگهداری فضاها» از نظر ساکنان محله عامری، تأثیر بیشتری بر احساس امنیت دارند.

کلیدواژه‌ها

احساس امنیت، بافت فرسوده، محله، اهواز، پلیس

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، (نویسنده مسئول)، رایانامه

fatemepiri607@yahoo.com

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که طی سال‌های گذشته به دلایل گوناگونی نظیر تراکم جمعیت و کاهش روابط چهره‌به‌چهره انسانی، مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته، امنیت شهروندان است. وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزام‌های اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود و به همین دلیل در فرایند برنامه‌ریزی شهری، از مهم‌ترین اهداف همانا کاهش جرم و جنایت در محیط‌های شهری به‌ویژه در بافت‌های فرسوده است. توجه به امنیت شهری به عنوان بستر اساسی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و در نتیجه ایجاد شهری پایدار و سالم، مورد اتفاق نظر عمومی نظریه پردازان شهری است (ذبیحی، لاریمیان و پورانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). نواحی فرسوده شهری، بنا به سرشت خود، با انواع عوارض و مشکلات مواجه هستند. از این رو معضل آنها چندوجهی و چندبعدی است که در هر مورد، به شکل خاصی بروز می‌کند (شماعی و پورا احمد، ۱۳۸۴: ۶۱). محله‌ها و مناطق شهری به خاطر تجمع و همنشینی و گوناگونی خرده‌فرهنگ‌ها به گونه‌ای عرصه آشکال و رویه‌های مختلف زندگی شده است که در عمل توافق همگان را در پذیرش هنجارهای اجتماعی و محله‌ای، غیرممکن ساخته است. توافق نداشتن در هنجارها و پذیرش آن، نگرانی‌های بسیاری را برای خانواده‌های شهری به ارمغان آورده و ساکنان مناطق شهری را با مشکلات زیاد روبه‌رو ساخته است (اعظم‌زاده و جهانگیری، ۱۳۹۳: ۳۸). بنابراین فضاهای شهری به عنوان بستری برای فعالیت‌های عمومی انسان، باید از یک‌طرف به راحتی قابل درک و از طرف دیگر باید ایمن باشند. در برخی از مناطق شهر اهواز از جمله مناطق فرسوده و حاشیه‌نشین که به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد، شرایط زندگی اجتماعی مردم دچار مشکلات جدی شده و باید برای شناسایی و رفع مشکل، اقدام‌های جدی صورت پذیرد. از این دست مناطق، محله عامری شهر اهواز است که به عنوان یک بافت فرسوده، الگویی از معماری سنتی و ارگانیک را به نمایش می‌گذارد. فرسودگی و فشردگی بیش از حد بافت،

شبهه معابر کم‌عرض، تطابق نداشتن در نسبت استفاده از اراضی شهری معمول با نسبت کاربری‌های منطقه، گسیختگی کالبدی بافت به دلیل وجود موارد یادشده به همراه سایر عوامل مرتبط، ساکنان این محله را با مشکلاتی مواجه ساخته است که از آن جمله احساس ناامنی در میان ساکنان است. با توجه به موارد یادشده و از آنجایی که امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای جامعه بشری است و تأمین آن در ابعاد مختلف، باعث رشد و شکوفایی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی می‌شود، پژوهش حاضر به بررسی احساس امنیت ساکنان در محله عامری شهر اهواز پرداخته و عوامل تأثیرگذار و میزان تأثیرگذاری آن‌ها را در این محله بررسی می‌کند. در این راستا، پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- آیا هماهنگی و مشارکت مردم در تأمین امنیت محله، تأثیر معناداری بر احساس امنیت آنان دارد؟

- آیا وضعیت فیزیکی و ویژگی‌های کالبدی محله، تأثیر معناداری بر احساس امنیت مردم محله دارد؟

- آیا میزان حضور و نظارت نیروی انتظامی در محله، تأثیر معناداری بر احساس امنیت مردم محله دارد؟

- کدام‌یک از مؤلفه‌های بالا، تأثیر بیشتری بر احساس امنیت ساکنان محله دارد؟

پیشینه پژوهش: «لوئیس مامفورد» را می‌توان از اولین نظریه پردازانی دانست که در نیمه اول قرن بیستم به ایجاد امنیت، حس مکان و مقیاس انسانی در فضاهای شهری توجه کرد. او در کتاب «فرهنگ شهرها» از شهر به عنوان مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل نام برده و به تنوع و اختلال کاربری‌ها در فضای شهری و اولویت حرکت پیاده بر سواره در محیط شهری اشاره کرده است. «فرانسیس تیبالدرز»^۱ در کتاب ارزشمند خود با عنوان «شهرسازی شهروندگرا» ضمن پرداختن به مباحث گوناگون و با استفاده از اسپیس‌های بیار هنرمندانه، ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و توجه به مقیاس انسانی

در محیط‌های شهری را مورد تأکید قرار داده است. به باور «تیبالدز» درس‌آموزی از گذشته، ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها، آزادی عابران پیاده، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد وضوح و محیط‌های ماندگار، کنترل و ترکیب روش‌ها از اصول و معیارهایی هستند که با به‌کارگیری آن‌ها می‌توان کیفیت قلمروهای عمومی شهرهای معاصر را افزایش داد (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۹). «آندره دوانی»، «الیزابت پلاتر زیبرگ و پیتر کتز^۱» گروهی از معماران و شهرسازان آمریکایی بودند که نگرانی آن‌ها از زوال مراکز شهری، گسترش پراکنده جوامع محلی و تسلط اتومبیل بر فضای شهرها سبب شد که «جنبش نوشهرسازی» را در ابتدای دهه ۱۹۹۰ پایه‌گذاری کنند. از قابلیت پیاده‌روی، ارتباط‌پذیری، قابلیت متنوع و مختلط، مسکن ترکیبی، معماری و طراحی شهری باکیفیت، تراکم افزایش یافته، بازگشت به ساختار محله‌های سنتی، حمل‌ونقل هوشمند، پایداری و کیفیت زندگی به‌عنوان اصول ده‌گانه نوشهرسازی نام برده شده است. «ال زلینکا و دین بران^۲» دیگر ایده‌پردازانی هستند که در آستانه هزاره سوم و در کتاب «منظر ایمن: ایجاد اجتماعات ایمن‌تر، قابل زیست‌تر از طریق برنامه‌ریزی و طراحی»، منظرسازی ایمن را به‌عنوان طراحی فضاهای عمومی برای ارتقاء درک‌های ایمنی و کاهش جرم و ترس از جرم تعریف می‌کنند (سوتون، ۲۰۰۵: ۲). پژوهش‌های اخیر آرمیتاژ^۳ (۱۹۹۹)، براون^۴ (۱۹۹۹) و پاسکو (۱۹۹۹)، نشان‌دهنده تأثیرهای چشم‌گیر این رویکرد در ایجاد امنیت شهری است. از نظر آرمیتاژ صرف هزینه برای ساخت و یا بازسازی مسکن با توجه به استانداردهای رویکرد امنیت از طریق طراحی، سرمایه‌گذاری ارزشمندی محسوب می‌شود. از نظر پیشینه پژوهش داخلی نیز، به‌صورت مستقل پژوهش‌هایی پیرامون ملاحظه‌های ایمنی انجام شده که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1 Ziberg, Ktez

2 Alzlinka & Dean Brown

3 Armitage

4 Brown

رفعیان و همکاران (۱۳۹۱)، احساس امنیت شهروندان محله اوین را مورد مطالعه قرار داده‌اند. پژوهش آنان حاکی از آن است که همه معیارهای به کاررفته در سه سطح الگوی سنجش احساس امنیت در محدوده مورد مطالعه با متغیر منظر شهری رابطه معناداری دارد. همچنین بین میانگین احساس امنیت و میانه نظری، اختلاف معناداری وجود دارد. احساس امنیت در محدوده مورد مطالعه از دید ساکنان، پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده است. افشارکهن و یزدی (۱۳۹۲)، تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی را بر احساس امنیت شهری محلات منتخب یزد بررسی کرده‌اند. توجه به فضاهای غیرقابل دفاع و ایجاد فضاهای سبز و به‌دنبال آن بالابردن قلمروگرایی و تعامل‌های اجتماعی ساکنان که باعث نظارت غیررسمی و نگهداری و مراقبت از ساکنان محله می‌شود، می‌تواند سیاست‌های مؤثری برای ارتقاء احساس امنیت تلقی شود. در مطالعه‌ای که برای ارتقاء امنیت شهری در منطقه ۱۷ شهرداری تهران توسط ذبیحی و همکاران صورت گرفته (۱۳۹۲)، نتایج نشان‌دهنده تفاوت میزان امنیت شهری در میان پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی است. همچنین از میان اصول و معیارهای مورد بررسی، اصل «امنیت فیزیکی» و معیار «دشواری آماج جرم» بیشترین نقش را در ارتقاء امنیت شهری در محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. در مطالعه‌ای که توسط عزیزی و شعبان‌جولا (۱۳۹۳)، برای ارزیابی احساس امنیت در محله قدیمی ملک‌آباد شهر قزوین صورت گرفته، نتایج نشان می‌دهد با توجه به سه معیار مشخص شده، محله ملک‌آباد در معیارهای نظارت طبیعی و تقویت قلمروها، وضعیت مطلوبی دارد و در معیارهای کنترل دسترسی در وضعیت زیر متوسط قرار گرفته و در مجموع احساس امنیت ساکنان آن در حد مطلوب ارزیابی شده است. محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر هویت محله‌ها بر احساس امنیت شهروندان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین احساس تعلق به محله و احساس امنیت شهروندان ارتباط وجود دارد و این رابطه نسبتاً قوی است. همچنین تفاوت معناداری بین احساس امنیت در محله‌های قدیم و جدید وجود دارد و در محله‌های جدید، شهروندان احساس امنیت بالاتری دارند. موسوی و همکاران (۱۳۹۴)،

احساس امنیت در فضاهای شهری در شهر سرخس را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌ی مربوط به احساس امنیت فضاهای شهری، در همه‌ی مناطق شهری به یک شکل نیست. صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر ایلام به ارائه الگوی تحلیلی ۵ سطحی از شاخص‌های مؤثر در امنیت محیطی و اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که متغیرهای نهادهای کنترل و نظارت و ویژگی‌های کالبدی داخل پارک و کاربری‌های اطراف پارک رابطه مثبت و مستقیم با احساس امنیت زنان دارند.

مبانی نظری: یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موضوع امنیت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲). مفهوم امنیت به دفاع از خود، خانواده، دوستان و اموال گفته می‌شود. معنای لغوی امنیت نیز عبارت است از رهایی از خطر یا مخاطرات و یا لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش نبودن، نبودن احتمال ناکامی، چیزی که اطمینان و ایمنی می‌دهد (کلمنتس، ۱۳۸۴: ۷۵). امنیت اجتماعی برای آحاد جامعه از بسیاری از موضوعات دیگری که ممکن است مهم تلقی شود، ضروری‌تر است. بافت‌های فرسوده به علت ویژگی‌های خاص خود از نظر فعالیتی و کالبدی، بستری مناسب برای رشد و شکل‌گیری مکان‌های جرم‌خیز هستند و به همین دلیل باید مورد توجه قرار گیرند (زوکین^۱، ۱۹۹۵: ۳۸).

ویژگی‌های فیزیکی محیط در رابطه با احساس امنیت: ویژگی‌های برخی از فضاهای شهری به گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌آورد. نبود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی‌سرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند. براساس نظریه اسکارنیومن (۱۹۷۳) فضاهایی که امکان دیدن و دیده‌شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند ظرفیت کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. از این رو برای مثال استدلال می‌شود که دیوارها و پرچین‌ها

می‌توانند به‌عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و حس ناامنی را افزایش دهند؛ درحالی‌که وجود نشانه‌ای که حاکی از نظارت مردم بر محله باشد می‌تواند احساس امنیت را افزایش دهد (اشواترزا^۱، ۲۰۱۱: ۱۱). کمبود امنیت، در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمرو فضای عمومی و خلق فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد (کارمونا^۲، ۲۰۰۳: ۲۳۸). جیکوبز^۳ می‌گوید آرامش فضای شهری ابتدا به‌وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و معیارهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خودانتظامی بودن یک خیابان چنین می‌گوید: «ابتدا باید چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم‌های کسانی که ما آن‌ها را مالکان طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم ... پیاده‌روهای خیابان باید به‌صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر نگاه‌های مؤثر بر خیابان افزوده شود و به مردم ساکن در خیابان، نگرستن به خیابان آموزش داده شود» (جیکوبز، ۱۹۶۱: ۱۵). در اوایل دهه ۱۹۷۰، اسکارنیومن به برخی از عوامل فیزیکی مؤثر بر ایجاد ترس از محیط یا وقوع جرم پرداخت. او بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تأکید کرد و با ارائه نظریه «فضای قابل دفاع»، عواملی مانند ایجاد قلمرو مناسب، احساس تعلق به مکان، امکان وجود نظارت و بهبود شرایط فیزیکی را از راهکارهای کاهش ترس دانست. نیومن سه عامل افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین برشمرد:

- بیگانگی: مردم همسایگان‌شان را نمی‌شناسند؛
 - نبود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را بدون آنکه مجرم دیده شود، به‌راحتی ممکن می‌کند؛
 - در دسترس بودن راه فرار: امکان گریز مجرم از صحنه جرم را به‌سرعت ممکن می‌کند.
- بنابراین نیومن معتقد است با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن به عرصه‌های تعریف‌شده، می‌توان محیط را به کنترل ساکنانش درآورد.

1 Schweitzer
2 Carmona
3 Jacobz

گرایش به مشارکت در تأمین امنیت: منظور از مشارکت در تأمین امنیت، تمایل پاسخگو و آمادگی روانی برای اقدام به رفتارهای مشارکت‌جویانه در زمینه تأمین امنیت است. گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، در نظرات بوزان و ویور، به صورت تعهد و تکلیف و احساس مسئولیت فرد نسبت به جامعه خود، تأکید بر نقش هنجارها، قواعد، فرهنگ و ارتباط انسانی مطرح شده است. اما این متغیر در نظریه پارسونز به طور مستقیم با موضوع‌های گرایش و سوگیری مطرح می‌شود (خوشفر، ۱۳۸۴: ۲۷۳-۲۷۴). زمانی که گروه‌های مختلف جمعیت قادر به ابراز منافع خویش باشند و از آن حمایت کنند و بتوانند برای کشمکش‌هایی که همواره وجود دارند راه‌حل عقلانی پیدا کنند، مشارکت به معنای واقعی تحقق پیدا خواهد کرد. به اعتقاد اینگلهارت متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف سیاسی و اجتماعی بر افزایش مشارکت تأثیرگذارند (بورتون^۱ و میشل^۲، ۱۹۹۷: ۵).

نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت: مهم‌ترین وظیفه نیروی انتظامی تأمین امنیت است. پلیس در حکم نماد اقتدار دولت از یک سو باید به نیازهای توسعه‌اقتصادی داشته و آنها را بپذیرد و از سوی دیگر و در کنار افزایش منازعات چندوجهی حاصل از توسعه و گذار، امنیت و ثبات اجتماعی را حفظ و نگهداری کند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۵۳). از منظر اقتدار، پلیس در درون جامعه، دستگاهی است که موجب همکاری میان دولت و حوزه عمومی را فراهم می‌کند. ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را همیشه در خیابان‌های شهر، در اماکن عمومی، رسانه‌ها و... مشاهده می‌کنیم (شاکری، ۱۳۸۱: ۳۰). در واقع نیروی انتظامی شامل قوه‌هایی است که حفظ نظم و آرامش را برعهده دارند و می‌توان بیان کرد

1 Burton

2 Mitchell

نقش اول ایجاد و حفظ نظم و آرامش شهروندان برعهده نیروی انتظامی است (محبوبی منش، ۱۳۸۵: ۱۱).

تغییر نقش محلات در معماری و شهرسازی: خانواده‌ها به محله مسکونی همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا می‌بینند. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی، منطبق با رفتارهای اجتماعی است. از این رو هر محله‌ای ویژگی‌های جدا از سایر محله‌های شهری دارد. محله‌ها و مناطق مختلف یک شهر از لحاظ بزهکاری با یکدیگر متفاوت بوده و بعضی از آنها جرم‌خیزتر از بقیه هستند (صالحی، ۱۳۸۷: ۶۳). دستاورد اجتماعی انسجام ساختار فضایی محله، انسجام اجتماعی و امنیت و نیز جلوگیری از رفتارهای ناهنجار و آنومیک در هر یک از محله‌ها است. بدین ترتیب، ساختار فضایی محله‌ها حداقل با مشخص بودن محدوده‌های آن و نیز برخورداری از یک مرکز، شکل می‌گیرد (برادی^۱، ۲۰۰۵: ۷۶). برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص‌های امنیتی، دسترسی پیاده، نظارت اجتماعی و انجام مراسم جمعی و آیینی در فضای شهری وجود داشته باشد. بر این اساس، اجتماع مردم محله برای بهبود کیفیت و امنیت محله خود دست به تشکیل نهادهای مشارکتی و اجتماعی می‌زنند. این نهادهای مشارکتی، شورای محله، انجمن شهر، شوراهای شهری و مساجد هستند. رویکرد محله‌گرایی که می‌تواند احساس امنیت را تقویت کند، ضرورت تبیین ساختار فضایی و مرز محله‌ها را در جوامع شهری نشان می‌دهد. تقویت امنیت و هویت از یک سو و مباحث مربوط به برنامه‌ریزی و ساماندهی ساختار شهری توسط برنامه‌ریزان از سوی دیگر، توجه به تقویت مرزهای محله را بیشتر آشکار می‌سازد (بوایل^۲، ۲۰۰۱: ۸۲).

محدوده مورد مطالعه: محله عامری (محله ۱۰) در تقسیم‌بندی جغرافیایی اهواز، در شمال شرقی در منطقه ۳ قرار دارد. این محله از شمال به محله خرم‌کوشک، از شرق به

1 Brady

2 Boyle

محلّه سخیره، از غرب به رودخانه کارون و از جنوب به خیابان رضوی محدود می‌شود. مساحت این محلّه ۳۲/۲ هکتار و جمعیت آن بیش از ۱۰۱۳۹ نفر است. خیابان شریعتی و محورهای منتهی به پل‌های معلق و چهارم به‌عنوان مراکز اصلی دادوستد شهری اهواز، در جنوب این محلّه قرار دارند (محمّدی ده‌چشمه، ۱۳۸۴: ۴). ساختار کلی این محلّه به سه بخش کاملاً متمایز تقسیم می‌شود: ۱. لایه حاشیه‌ای خیابان‌های اصلی با کاربری تجاری و خدماتی، ۲. لایه‌های درونی با کاربری مسکونی و ۳. مجموعه فرهنگی مذهبی حرم علی‌بن‌مهزیار. با توجه به انواع بافت‌ها، این محلّه جزء بافت تاریخی اهواز است (شمشادزاده، ۱۳۸۸: ۹۲).

جدول ۱: ابعاد، مؤلفه و متغیرهای مورد نظر در سنجش احساس امنیت

بعد اجتماعی		بعد محیطی و کالبدی	
متغیر	مؤلفه	متغیر	مؤلفه
حضور نیروی انتظامی وجود نگهبانان وجود دوربین و وسایل کنترل نامحسوس	کنترل ناهنجاری	نظارت مطلوب بر فضاها نورپردازی مناسب فضاها اختلاط مناسب کاربری‌ها	نظارت
نظارت بر فضا خوانا و قابل فهم نمودن فضا میزان احساس امنیت در برابر سوانح و حوادث محلّه	نظارت اجتماعی	چارچوب حرکتی مناسب اتصال ورودی‌های عرصه خصوصی و عمومی وضعیت طراحی حریم‌های سواره و پیاده	ورودی/ خروجی
احساس تعلق و آشنایی کافی ساکنان محلّه با یکدیگر مشارکت ساکنان برای حفظ و نگهداری محلّه اتحاد و نبود نزاع و کشمکش بین ساکنان محلّه	آشنا بودن فضا و حس تعلق	طراحی مناسب ساختمان‌ها و جاذبه محل تجدید ساخت یا حذف فضاها آسیب‌پذیر محلّه	ویژگی‌های مکانی و کالبدی

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، همه ساکنان محله عامری شهر اهواز هستند. با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪، حجم نمونه ۳۵۰ نفر برآورد و به صورت تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با کمک پرسش‌نامه پایا (با آلفای کرونباخ (۰/۸۵) و روا (نظر خبرگان) جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و آزمون آماری رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی): در بررسی مربوط به سن مراجعه‌کنندگان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال با ۵۰/۰۹ درصد و پس از آن گروه ۲۶ تا ۳۵ سال با ۲۹/۷ درصد بود، به عبارتی جامعه پژوهش جوان هستند. ۵۲ درصد آن‌ها مجرد و ۴۸ درصد متأهل اند. تقریباً تمام افراد جامعه پژوهش باسواد و بیشتر آن‌ها حداقل دارای مدرک دیپلم هستند و بیش از ۴۹ درصد آن‌ها بیش از ۱۵ سال در محله عامری سکونت داشته‌اند که نشان‌دهنده قدمت بالای محله است.

یافته‌های استنباطی: در این بخش برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌هایی تعریف و آزمون می‌شوند. پس از بررسی‌های اولیه سه متغیر وضعیت فیزیکی و کالبدی محله، هماهنگی و مشارکت در تأمین امنیت و میزان حضور نیروی انتظامی به عنوان عوامل مؤثر بر امنیت انتخاب شدند. برای انجام تحلیل رگرسیونی، این سه متغیر به برنامه رگرسیونی معرفی شدند و هر سه متغیر به دلیل ضریب تأثیر رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد به معادله وارد شدند که در ادامه به تحلیل نتایج آن‌ها به ترتیب وزن بتا و تأثیرگذاری آن‌ها بر متغیر وابسته می‌پردازیم:

فرضیه اول: بین هماهنگی و مشارکت مردم در تأمین امنیت محله و افزایش احساس امنیت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

در این بخش ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر هماهنگی و مشارکت مردم و شاخص امنیت محاسبه شده است. براین اساس، همبستگی به دست آمده عدد $0/811$ را نشان می‌دهد. این همبستگی نشان از رابطه مثبت و بالای میان دو شاخص است و با افزایش یکی، شاخص دیگر نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون همبستگی برای فرضیه اول در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج بررسی رابطه بین هماهنگی و مشارکت مردم و احساس امنیت

		احساس امنیت	هماهنگی و مشارکت مردم
احساس امنیت	همبستگی پیرسون	۱	$0/811^{**}$
	سطح معناداری		$0/000$
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰
هماهنگی و مشارکت	همبستگی پیرسون	$0/811^{**}$	۱
	سطح معناداری	$0/000$	
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰

فرضیه دوم: بین وضعیت فیزیکی و ویژگی‌های کالبدی محله بر احساس امنیت مردم محله رابطه معناداری وجود دارد.

برای فرضیه دوم یعنی وجود رابطه معنادار بین وضعیت فیزیکی و ویژگی‌های کالبدی با میزان احساس امنیت، ضریب همبستگی پیرسون عدد $0/721$ را نشان می‌دهد. این همبستگی نشان از رابطه مثبت و بالای میان این دو شاخص است و با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۳. نتایج همبستگی پیرسون وضعیت فیزیکی و ویژگی‌های کالبدی محله و احساس امنیت

		احساس امنیت	وضعیت فیزیکی ویژگی‌های کالبدی
احساس امنیت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۲۱**
	سطح معناداری		۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰
وضعیت فیزیکی ویژگی‌های کالبدی	همبستگی پیرسون	۰/۷۲۱**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰

فرضیه سوم: بین میزان حضور و نظارت نیروی انتظامی و احساس امنیت مردم محله رابطه معناداری وجود دارد.

در مورد فرضیه سوم نیز نتیجه آزمون همبستگی بیانگر رابطه معنادار متغیر وابسته احساس امنیت با میزان حضور و نظارت نیروی انتظامی است.

جدول ۴. نتایج همبستگی پیرسون حضور و نظارت نیروی انتظامی و احساس امنیت

		احساس امنیت	میزان حضور و نظارت نیروی انتظامی
احساس امنیت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۹۹**
	سطح معناداری		۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰
نظارت نیروی انتظامی	همبستگی پیرسون	۰/۶۹۹**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۵۰	۳۵۰

پرسش چهارم: برای بررسی این که کدام‌یک از مؤلفه‌های امنیت بیشترین تأثیر را در احساس ساکنان محله عامری دارد، از روش «وایکور» استفاده شد. روش وایکور یک روش توافقی و از الگوهای پرکاربرد در تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه برتر است. این روش می‌تواند یک مقدار بیشینه مطلوب گروهی برای موافقت و یک کمینه تأثیر انفرادی

برای مخالفت را فراهم کند. با کمک این روش مقادیر «Qi» برای هر یک از معیارها محاسبه شد و در جدول ۵ ارائه شد.

جدول ۵. رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش براساس مقادیر Qi

بعد اجتماعی				بعد محیطی و کالبدی			
اولویت	Qi	متغیر	مؤلفه	اولویت	Qi	متغیر	مؤلفه
۱	۰/۰۳۰	حضور نیروی انتظامی	کنترل نابهنجاری	۳	۰/۲۴۰	نظارت مطلوب بر فضاها	نظارت
۲	۰/۰۸۰	حضور نگهبانان		۲	۰/۱۲۵	نورپردازی مناسب فضاها	
۳	۰/۱۲۴	وجود دوربین و وسایل کنترل نامحسوس		۱	۰/۰۶۲	اختلاط مناسب کاربری‌ها	
۳	۰/۱۲۹	نظارت بر فضا	نظارت اجتماعی	۳	۰/۰۴۳	چارچوب حرکتی مناسب	ورودی / خروجی
۱	۰/۰۰۰	خوانا و قابل فهم نمودن فضا		۲	۰/۰۴۰	عرضه خصوصی و عمومی	
۲	۰/۰۳۹	احساس امنیت در برابر سوانح و حوادث		۱	۰/۰۰۰	حریم‌های سواره و پیاده	
۳	۰/۱۶۰	آشنایی کافی ساکنان محله با یکدیگر	آشنا بودن فضا	۳	۰/۰۸۷	طراحی مناسب ساختمان‌ها	ویژگی‌های کالبدی
۱	۰/۰۰۰	مشارکت در حفظ و نگهداری محله		۱	۰/۰۰۰	حذف فضاهای آسیب‌پذیر	
۲	۰/۰۹۷	اتحاد و نبود نزاع بین ساکنان محله		۲	۰/۰۵۴	حدود و ثغور محله	

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، در میان مؤلفه‌های مورد مطالعه «اختلاط مناسب کاربری‌ها»، «حریم‌های سواره و پیاده»، «حذف فضاهای آسیب‌پذیر»، «حضور نیروی انتظامی»، «خوانا و قابل فهم نمودن فضا» و «مشارکت در حفظ و نگهداری» از نظر ساکنان محله با توجه به روش وایکور در اولویت اول قرار گرفته‌اند. همچنین براساس جدول اولویت‌بندی متغیرهای دوم و سوم نیز مشخص شده که گویه‌هایی که در اولویت سوم قرار دارند، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب این گویه‌ها در این محله است. در نهایت با توجه به امتیاز متغیرهای مورد مطالعه، امتیاز مؤلفه‌های مورد نظر در هر شاخص (شاخص محیطی و شاخص اجتماعی) نیز به دست آمد که در این میان به ترتیب مؤلفه مربوط به وضعیت ورودی / خروجی‌ها، ویژگی‌های مکانی و کالبدی، نظارت اجتماعی، آشنا بودن فضا، کنترل ناهنجاری و نظارت در اولویت‌های اول تا ششم قرار گرفته‌اند (نمودار ۱).



نمودار ۱. رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش براساس Qi

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در قسمت یافته‌های پژوهش اشاره شد، بین متغیر «مشارکت و هماهنگی ساکنان در تأمین امنیت محله» و «احساس امنیت» آنان همبستگی بسیار قوی وجود دارد. این همبستگی بین «وضعیت فیزیکی و کالبدی محله» و «احساس امنیت» نیز بسیار قوی است.

مردم در فضاهایی مانند کوچه‌های تاریک و خلوت، خیابان‌ها و فضاهای شلوغ و پرتردد شهر، ساختمان‌های نیمه‌کاره یا رهاشده و متروک، مکان‌هایی که افراد معتاد و مزاحم حضور دارند، احساس ناامنی می‌کنند.

همچنین ثابت شد که بین «میزان حضور نیروی انتظامی» و احساس امنیت نیز همبستگی قوی وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اولین و مهم‌ترین توقع شهروندان از پلیس برای افزایش احساس امنیت: فقط حضور فیزیکی نیست، بلکه حضور فعال پلیس است که احساس امنیت شهروندان را افزایش می‌دهد. فعالیت‌هایی مانند حضور به‌موقع و سریع در صحنه‌های جرم، جمع‌آوری اراذل و اوباش، سرعت عمل پلیس در کشف جرایم، وجود گشت‌های منظم پلیسی و در دسترس بودن به‌موقع پلیس در شرایط اضطراری، از جمله انتظاراتی است که ساکنان برای حفظ امنیت محله از نیروی انتظامی دارند.

در این پژوهش همچنین از روش وایکور برای رتبه‌بندی متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش استفاده شد. نتایج این روش نشان داد که متغیرهای اختلاط مناسب کاربری‌ها، حریم‌های سواره و پیاده، حذف فضاهای آسیب‌پذیر، حضور نیروی انتظامی، خوانا و قابل فهم نمودن فضا و مشارکت در حفظ و نگهداری از نظر ساکنان محله در اولویت‌های اول قرار گرفته‌اند. با توجه به نتایج این روش، تمامی مؤلفه‌ها و متغیرهای مورد مطالعه بر احساس امنیت ساکنان محله تأثیر دارند، اما بعضی از آن‌ها تأثیر بیشتری دارند و در برنامه‌ریزی‌های محله به‌منظور تأمین و ارتقای احساس امنیت باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

مبتنی بر نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- افزایش مشارکت اجتماعی در بین شهروندان باعث افزایش احساس امنیت می‌شود
از این رو برای ارتقای مشارکت اجتماعی و به‌دنبال آن افزایش احساس امنیت اجتماعی، برنامه‌ریزان اجتماعی با زمینه‌سازی افزایش مشارکت در بین مردم برای کارهای جمعی و عمومی می‌توانند گام مؤثری در این زمینه بردارند؛

- برنامه‌ریزان اجتماعی با تقویت پایه‌های اعتماد بنیادین افراد جامعه می‌توانند اعتماد را هم در میان مردم و هم در میان نهادهای دولتی افزایش دهند؛

- کنترل دسترسی‌ها و محدودسازی آن‌ها، تغییر یا اصلاح کالبدی، ایجاد ایستگاه‌های نگهدارنده، ساماندهی حمل‌ونقل عمومی، روشنایی و نحوه نورپردازی در شب می‌تواند احساس امنیت را افزایش دهد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت و ابعاد آن در قرآن. فصلنامه مطالعات اسلامی. شماره ۷۵.
- اعظم‌زاده، منصوره و جهانگیری، زهرا (۱۳۹۳). موقعیت منزلتی محله و احساس امنیت در بین ساکنان مناطق شهر تهران. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. ۱(۲)، ۶۰-۳۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). شاخصه‌های جامعه امن. روزنامه ایران. شماره ۲۶۵۳. ۸/۹/۹-۲۱.
- افشارکهن، جواد و رحیقی یزدی، محمد (۱۳۹۲). تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر احساس امنیت شهری محله‌های منتخب یزد، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری). ۳(۸)، ۷۸-۵۹.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا؛ ارتقاء عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری. محمد احمدی‌نژاد (مترجم). اصفهان: انتشارات خاک.
- خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی تهران: انتشارات گلپویه.
- ذبیحی، حسین؛ لاریمان، تایماز و پورانی، حمیده (۱۳۹۲). ارائه مدلی تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی منطقه ۱۷ شهرداری تهران. مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. ۵(۱۷)، ۱۳۶-۱۱۹.
- رفیعیان، محسن؛ مویدی، مهدی؛ سلمانی، حسن و توانگر، لیلا (۱۳۹۱). ارزیابی احساس امنیت شهروندان با رویکرد منظر شهری محله اوین. مجله مطالعات شهر ایرانی-اسلامی. ۲(۸)، ۶۱-۴۹.

- شاکری، رضا (۱۳۸۱). مردم، پلیس و امنیت عمومی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- شماعی، علی و پورا احمد، احمد (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- شمشادزاده، مصطفی (۱۳۸۸). باززنده‌سازی الگوهای مشارکت در بافت‌های فرسوده شهری، نمونه موردی محله عامری شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری.
- صفایی‌پور، مسعود؛ پیری، فاطمه؛ امان‌پور، سعید و شجاعیان، علی (۱۳۹۴). بررسی احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر ایلام با تأکید بر شاخص‌های محیطی و اجتماعی. دو فصلنامه پلیس زن. دوره نهم، ۲۹-۵.
- عزیزی، محمدمهدی و شعبان‌جولا، الهه (۱۳۹۳). ارزیابی کالبد محله‌های قدیمی شهری در پاسخ‌دهی به احساس امنیت (نمونه موردی: محله ملک‌آباد شهر قزوین). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۶(۴)، ۷۹۱-۸۰۸.
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴). به سوی یک جامعه امن. محمدعلی قاسمی (مترجم). تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۵). تأملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله امنیت عمومی. فصلنامه دانش انتظامی. ۸(۳)، ۳۱-۹.
- محمدی ده‌چشمه، مصطفی (۱۳۸۴). اکولوژی اجتماعی شهر اهواز: محله‌های عامری و کیانپارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- محمدی، جمال؛ حسنی‌نژاد، اردلان و اصانلو، علی (۱۳۹۳). تأثیر هویت محلات بر احساس امنیت شهروندان. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۹(۱)، ۳۲-۹.
- موسوی، میرنحیف؛ ویسیان، محمد؛ محمدی حمیدی، سمیه و اصغری، مریم (۱۳۹۴). احساس امنیت در فضاهای شهری سرخس. مجله جغرافیا. ۱۳(۴۵)، ۲۰۲-۱۸۵.

- Burton, E & Mitchell L. (2006). *Inclusive Urban Design, Streets for Life*. Architectural Press. First edition. UK.
- Brady, Martha. (2005). *Safe Spaces for Adolescent Girls*. Population Council. www.beverley.gov.uk.
- Boyle. J. Findlay. C. & Forsyth. L. (2001). *An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment*. Open space. London. Edinburgh College of Art, School of Architecture. Tourism Management.
- Carmona. M. Heath. Tim. Oc. Taner. & Tiesdell Steve. (2003). *"Public Places. Urban Spaces. Architectural Press"*. New York. Paris.
- Jacobs. J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Vintage Books.
- Meredith E. David. Forest, R. David. & Fred. R. David. (2009). *The Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM) Applied To A Retail Computer Store*. *The Coastal Business Journal*. 8 (1), 42-52.
- Schweitzer. J. H. June Woo Kim & Juliette R. Mackin. (2011). *"The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods"*. *Journal of Urban Technology*. 6(3), 59-73.
- Sutton. R. M. & Farrall. S. (2005). *Socially Desirable Responding and the Fear of Crime*. *Journal of Criminology*. 45(2), 212.
- Zukin. S. (1995). *The Culture of cities*. New York. Blackwell Publisher.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی